

■ **علیرضا محمدی**

اول اسفندماه ۱۳۶۴ یک فروند هواپیمای فوکر اف ۲۷ (فرند شپ) ایرانی مورد حمله دو فروند جنگنده‌ی بعثی قرار گرفت و همه ۵۰ سرنشین آن به شهادت رسیدند. این هواپیمای غیرنظامی، حامل آیت‌الله محلاتی نماینده امام در سپاه، جمعی از نمایندگان مجلس و مسئولانی از قوه قضائیه بود که در پی انجام عملیات والفجر ۸ برای سرکشی به جبهه‌ها عازم اهواز شده بودند. این حادثه در حالی صورت پذیرفت که فرند شپ هواپیمایی غیرنظامی بود. اما ستون پنجم و ضد انقلاب از پیش ماهیت مسافران‌اش را به اطلاع دشمن رسانده بودند. میگ‌های بعثی دوباراً این هواپیمای کوچک را مورد هدف قرار دادند که بار دوم منجر به انهدام و سقوطش شد. به مناسبت سالروز این فاجعه تاریخی، مروری به چگونگی انجام آن می‌اندازیم.

■ **۴۹ همره**

اسفند ماه ۶۴ که از راه رسید، عملیات والفجر ۸ بعد از روزها تکاپو و پاتک‌های سنگین دشمن، با قدرت ادامه داشت. آیت‌الله محلاتی به عنوان نماینده‌امام در سپاه تصمیم گرفت برای سرکشی به جبهه‌ها عازم اهواز شود. در این سفر هشت تن از نمایندگان مجلس به نام‌های حجج اسلام ابوالقاسم رزاقی، سید نورالدین رحیمی، غلامرضا سلطانی، مهدی یعقوبی، ابوالقاسم موسوی دامغانی، محمد کلاتسای، علی معرفتی زاده و سیدحسن شاهچراغی و چند تن از قضا‌ت و دیگر مسئولان که جمعا ۴۹ نفر می‌شدند، محلاتی را همراهی می‌کردند.

■ **جاماندگان از پرواز**

خلیلان عبدالباقی درویش و کمکش عباس جاهدی، مقدمات پرواز را انجام دادند و فوکر اف ۲۷ (فرند شپ) آماده پرواز شد اما مشکل کوچکی وجود داشت و آن هم سنگینی بیش از حد هواپیمایود بنابرین درویش از شهید محلاتی خواست تا آنجا که جا دارد برخی از همراهش را با پرواز دیگری راهی اهواز کند. محلاتی نگاهی به سرتاسر هواپیماینداخت و از برخی همراهانش خواش کرد تا هواپیما را ترک کنند. او اما به فرد غریبه‌ای که روی یکی از صندلی‌ها نشسته بودو سعی می‌کرد خودش را بی خیال از وقایع رخ داده نشان بدهد، توجهی نکرد.

این مسافر ناشناس (خلیان بازننشسته بهروز مدرسی) بعدها در وبلاگ شخصی‌اش خاطره آن روز را چنین تعریف کرد: «همسرم چون پزشک بود، از اواسط جنگ برای مداوای مجروحان به جبهه می‌رفت. من چون خودم خلیان بودم، خیلی سعی می‌کردم تا همسرم را با هواپیما به اهواز

برفستم و خودم هم او را همراهی کنم. یکبار که به اهواز رفته بودیم، با یک برادر سپاهی دوست شدم و چهارشنبه‌ها که برای دیدار با همسرم به اهواز می‌رفتم، مهمان این دوستم می‌شدیم. سپس من جمعه‌شب‌ها به تنهایی به تهران برمی‌گشتم. خوب یادم است که آن روز (اول اسفند ۱۳۶۴) هم چهارشنبه بود. طبق معمول، شلال و کلاه کردیم تا برویم به اهواز با کالی سوغاتی برای آن دوست اهوازی و خانواده‌اش. از شانس بد من، آن روز هیچ یک از هواپیماهای سی ۱۳۰، پروازی به اهواز نداشت. به همین خاطر حسابی حالم گر گرفته شده بود…».

■ **جسته‌هایی پر از قرآن**

خلیان مدرسی توضیح می‌دهد که با هماهنگی یکی از دوستانش به اسم آقای معمری قرار می‌شود با سرهنگ درویش خلیان فوکر ی که قرار بود آیت الله محلاتی و همراهانش به اهواز ببرد، هماهنگ کنند تا او هم همراهشان برود. درویش آشنایی دیرینه‌ای با مدرسی داشت، قبول می‌کند به این شرط که کلاه خلیانی جدید مدرسی را از او بگیرد و در عوض کلاه قدیمی خودش را به او بدهد! مدرسی داخل هواپیما می‌بیند که محلاتی نگران آمدن کسی یا چیزی است لحظاتی بعد چند بسته به داخل هواپیما منتقل می‌شود و خیال محلاتی راحت می‌شود. مدرسی کنجکاو می‌شود و داخل بسته‌ها را نگاه می‌کند؛ «تا تعجب دیدم که مللواز کلاه‌الله می‌جید (و اگر اشتباه نکنم تعدادی جزوات حقوقی) بود.»

■ **دیدار به قیامت**

زمانی که درویش از سنگینی هواپیما سخن می‌گوید، محلاتی تعدادی از همراهانش را پیاده می‌کند اما احترام میهمان ناشناس را نگه می‌دارد و کاری به مدرسی ندارد. تا اینکه خود درویش از مدرسی می‌خواهد پیاده شود چرا که یک هواپیمای سی ۱۳۰ آماده پرواز به اهواز شده بود. مدرسی پیاده می‌شود و قبل از آن کلاه خلیانی جدید خودش را از سر درویش برمی‌دارد و کلاه قدیمی او را به خودش پس می‌دهد. این دو خلیان که دوستی دیرینه‌ای باهم داشتند در حالی از هم خداحافظی می‌کنند که هیچ کدام خبر نداشتند دیدار بعدی‌شان به قیامت موکول می‌شود.

■ **بعد از ایده**

فرند شپ پرواز آرامی را شروع می‌کند و به سمت جنوب غرب کشور پال می‌گشاید. اما اتفاقی بعد در حالی که به تازگی ایده را پشت سر گذاشته بود، دو فروند میگ عراقی، مجهز به موشک‌های مدرن هوا به هوای فرکتانش می‌روند و با لهجه

دد

با وجود انهدام یک بال هواپیما، خلیان با مهارت سعی می‌کرد کنترل هواپیما را به دست بگیرد و هوا پیما را روی سطح مسطحی بنشانند. در این هنگام یکی از جنگنده‌ها موشک دوم خود را به قصد انهدام هوا پیما رها می‌کند و فوکر اف ۲۷ فرند شپ منهدم می‌شود

نگاهی به واقعه یکم اسفند ۶۴ و شهادت آیت‌الله محلاتی و همراهانش

مسافرانی که شهادت را به جای اسارت برگزیدند



عکس شهید محلاتی در حال نماز جماعت در جمع رزمندگان

خود ادامه می‌دهد. جنگنده‌ها مانور می‌دهند و داخل هواپیما، مسافران مشغول دعا می‌شوند. وقتی خلیان‌های بعثی متوجه می‌شوند که هواپیمای غیر نظامی ایرانی قصد تسلیم شدن ندارد، ابتدا به بال چپ هواپیما شلیک می‌کنند. تعدادی از شاهدان عینی که از پایین شاهد ماجرا بودند، بعدها اظهار می‌دارند که با وجود انهدام یک بال هواپیما، خلیان با مهارت سعی می‌کرد کنترل هواپیما را به دست بگیرد و هواپیما را روی سطح مسطحی بنشانند. در این هنگام یکی از جنگنده‌ها موشک دوم خود را به قصد انهدام هواپیما رها می‌کند و فوکر اف ۲۷ فرند شپ منهدم می‌شود.

■ **اسامی شهدای واقعه**

بر اثر حمله ناجوانمر دانه بعثی‌ها به هواپیمای غیر نظامی ایرانی، حدود ۵۰ نفر به شهادت می‌رسند که اسامی آنها به این شرح است: حجت‌الاسلام عنایت‌الله احمدی، ر جبعلی اسلامی، سید ابوالقاسم هاشمی، صادق مطهری، سید حسین معنوی، احمد رقی، سید حسن طباطبایی نسب، محمد حسین عنایتی، سید احمد قاسمیان، سلطان مراد کزازی، احمد محمودی طرزی، سید مکارم موسوی از سازمان تبلیغات اسلامی، شهیدان کمک خلیان این پرواز می‌گویند: «بعدها در بازبینی مکالمات ضبط شده در جبهه سپاه هواپیما مشخص شد که جنگنده‌های عراقی به خلیانان ایرانی پیشنهاد می‌دهند که با تغییر مسیر به سمت عراق بروند و سپس از این کشور نهندگی دریافت کنند. یا به هر کشور دیگری که تمایل دارند بروند و آنجا به همراه خانواده‌هایشان زندگی کنند اما پیشنهاد وسوسه‌کننده آنها از سوی کادر پرواز رد می‌شود.»

■ **اسارت یا شهادت**

کادر پرواز فرند شپ به رغم هشدارهای میگ عراقی مدتی به پرواز خود ادامه می‌دهد. یکی از خلیان‌های عراقی خطاب به سرهنگ درویش می‌گوید: «شما و سایر خنمه پرواز در امان هستید. ما نپاهندگی شما به هر کشور آزادی در دنیا را تضمین می‌کنیم، تکرار می‌کنیم ما با شما هیچ کاری نداریم، هدف ما مسافران شمامست.» درویش توجهی نمی‌کند و با اینکه به عنوان خلیان قدرت تصمیم‌گیری داشت، موضوع تقای هواپیماهای دشمن برای ریودن هواپیما را به اطلاع آیت‌الله محلاتی می‌رساند و از ایشان کسب تکلیف می‌کند. پاسخ محلاتی قاطع و صریح بود: «ما شهادت را به تسلیم شدن در مقابل دشمن بعثی ترجیح می‌دهیم.»

فرند شپ با بلاتکلیفی خارج می‌شود. تسلیم در این پرواز جایی نداشت. پس با قدرت به مسیر



«حجت‌الاسلام حاج شیخ فضل‌الله محلاتی شهید عزیز را که من و شما او را می‌شناسیم که عمر خود را در راه انقلاب صرف کرد و باید گفت یکی از چهره‌های درخشان انقلاب بود و در این راه که راه خداوند است تحمل سختی‌ها کرد و رنج‌ها کشید و با قامت استوار ایستادگی کرد، اجازه ورود در محضر شهدای صدر اسلام بر محمت ننماید.»

یادکرد

فرمانده نابغه تیپ ذوالفقار معروف به مغز متفکر جنگ

شهیدی که حاج همت او را از مفاخر اسلام می‌دانست

کردستان بالا گرفت، به عضویت سپاه درآمد تا در لباس پاسداری نقشش را در ایجاد امنیت در کردستان ایفا کند. یک سال بعد جنگ تمحیلی از راه رسید و شهید ناهیدی را راهی جبهه کرد. توانایی‌هایش از دید فرماندهان دور نماند و در سال ۱۳۶۰ از سوی فرمانده تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله (ص)، علیرضا ناهیدی به فرماندهی یگان توپخانه و ادوات ذوالفقار منصوب شد و با استفاده از توپ‌های غنیمت گرفته شده از سپاه چهارم عراق، واحد توپخانه سپاه را راهاندازی کرد. چندین بار در جریان عملیات‌ها مجروح شد ولی هیچ کدام از جانبازی‌ها او را در مسیر خدمت و جهاد دلسرد نکرد. هر بار به قدرت‌بر بر می‌گشت و به کمک جبهه‌ها می‌شتافت. شهید ابراهیم همت، درباره ویژگی‌های اخلاقی شهید ناهیدی می‌گوید: خدا گواه است که این بچه حزب‌اللهی یکی از مفاخر اسلام بود. بیش از سه سال در جبهه حضور داشت، وقتی آمده بود به سپاه مروان، نه بسیجی بود، نه پاسدار، یک دست لباس سرباز پوشیده بود. در این سه سال با همین یکدست لباس زندگی کرد، همان را می‌شست و می‌پوشید. یک جفت کفش هم داشت که کف آن ساییده شده بود. یک زیال حقوق دریافت نکرد. پولی را هم که پدر مادرش به او می‌دادند با بچه‌ها می‌گذاشتند روی هم یک قبضه خمپاره



شهید علیرضا ناهیدی

برای توپخانه بخرند. در کردستان اول از خمپاره ۶۰ شروع کرد بعد رفت سراغ ۸۰، بعد آمد توپخانه ۱۰۵ و… همه این مهارت‌ها را یاد گرفت و بعد آمد روی موشک. موشک راتا آن موقع هیچ کس نمی‌توانست استفاده کند. انسان بسیار عجیبی بود.»

شهید قبل از انجام آخرین عملیاتش، لباس فرم نوویی را پوشید و با تمام وجود به عبادت پرداخت. دست‌هایش را رو به سوی خدا بلند کرد و با حالتی عاشقانه، معشوق را صدا زد. ندایی در درویش می‌گفت که شاید این آخرین عملیات باشد و دیگر جمع همزمانش را نخواهد دید. شهید ناهیدی در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۱ در جبهه فقه بر اثر اصابت ترکش خمپاره ۶۰ مجروح شد و سرانجام چند روز بعد در روز یکم اسفندماه به فیض شهادت نائل آمد.

و شب‌ها تا ساعت یک و دو نیمه شب با من عشق رسید. معلمین و هم‌شاگردی‌هایش به مغز متفکر دوران دبیرستان شهید با روزهای پر تلاطم انقلاب مصداق شد. وی در تابستان سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم از مدرسه خوارزمی، دوره تعلیمات جنگی را در یادگان امام حسین (ع) فرا گرفت. سپس به آموختن فنون کاراته پرداخت و راهی جبهه شد. ناهیدی در ابعاد مختلف از جمله رزمی، مذهبی، اخلاقی، تربیتی و امور انتکاری در حد یک استاد بود. وقتی درگیری در

جدول سودوکو

ارقام ۹تا راطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کارورند

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۵۵۹۵**

۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

از راست به چپ

■ ۱- برانشی- شاعر مکزیکی برنده نوبل ادبی ۱۹۹۰■ ۲- برده نقاشی و سرزمین- بالش تزبینی روی میل- ناتوانی؛ نرمی■ ۳- طاقچه بالا- خواش فروتنانه- عونذواز- سه کیلو■ ۴- آشنا و ماهر در کار- ترن- چاپارخانه■ ۵- حیوان شتر گاو پلنگ- اتاق درس- از شهرهای استان بوشهر■ ۶- حکومت دست‌نشانده هیتلر در فرانسه- از ماهی‌های دریای خزر- جدید و تازه■ ۷- بل- تورفتگی ظرف- مقرر فرماندهی محمدعلی شاه در جنگ با مشروطه‌طلبان و محل قتل ملک‌المتمکلمین■ ۸- قورباغه در ختی- اثر امیل زولا- غلاف شمشیر- قبیله حاتم■ ۹- از شاهان کیانی و پدر گشتاسب- صدای پر و درشت مطابق، برابر■ ۱۰- ماه پاییزی- بی‌حس- کلمه تعلیل به معنی زیر■ ۱۱- پاشنه‌اش ضرب‌المثل ضربه‌پذیری است- نوعی مزه- بیماری چشم■ ۱۲- گنبد و قبه- وسیله پرواز انفرادی- نوعی تنور نان ماشینی■ ۱۳- حرف فاصله- همیشه و همواره- همسایه کویت- رودفرانسه■ ۱۴- شاعر بنام بوستان- شهر زادگاه عطار نیشابوری- کشوری قدیمی در بین‌النهرین دارای قدیمی‌ترین امپراتوری بشری■ ۱۵- نقاش فرانسوی خالق تابلوی المپیا- مخزن اسرار

از بالا به پایین

■ ۱- شایستگی یا توانایی خود را نشان دادن- خرید و فروش■ ۲- جغد- خطر کردن- خودی■ ۳- بوییدن- بین پیچ و مهره- خردمند و عاقل- نور اندک■ ۴- شیرینی کوچک مکعبی شکل- درخت تازه رویده- نیایش■ ۵- نام قدیم خمین- پسر کاوه‌ آهنگر و یکی از پهلوانان ایرانی شاهنامه- پایوران فرهنگستان■ ۶- رگ گیاه- شیپور بزرگ- درست یا مناسب دانستی سخنی یا کاری■ ۷- لباس و جامه- بهت و حیرت- شمشیربازی■ ۸- کنسرو ماهی- قلب‌ها- نمایشنامه‌نویس آلمانی صاحب اثر دایره گچی قفقازی- ویتامین انعقاد خون■ ۹- بازگرد و کارگردان خوامب میاد- خیر ناتمام- بهشت■ ۱۰- اندیشه شیطانی- عدم حضور- از تفرج گاه‌های شمال تهران■ ۱۱- سمت چپ- بینی- قدرت و نیرو■ ۱۲- میخ- این یا آن؟- مرکب پیامبر(ص) در شب معراج■ ۱۳- عدد هندسی- دریده- شکافته- تردست- ویتامین ضد سرطان■ ۱۴- آرام‌بخش- آشیز- ساختار■ ۱۵- کاپیتان پروازه آر زانتینی سابق تیم ایترا ایتالیا- حاصل عمل تقربق